



از انفجار هواپیمای ۷۵۲ اوکراینی و مرگ ۱۷۶ سرنشین آن ۱۰ ماه گذشته است، اما داغ آن هنوز بر دل سنگینی می‌کند. غم ازدست‌رفتن جان‌هایی بی‌گناه که همه در اندیشه آینده‌ای بهتر بودند؛ آینده‌ای که به دلایل مشخص در مهاجرت دست‌یافتنی شده بود، آینده‌ای که تنها در ۱۰ ثانیه خاکستر شد. اگرچه مقصران حادثه بازداشت و اکنون برخی به قید وثیقه آزاد شده‌اند، جبهه‌سياه هواپيما خوانده شده و مسیر حقوقی پرداخت دیه به بازماندگان در حال ارزیابی است اما این همه اضلاع رویک سرنگونی هواپیمای اوکراینی نیست.

آیا این رویک به‌سادگی قابل حل‌وفصل است؟

دی، ماه تلخی‌های بی‌پایان
دی در چند سال اخیر برای ایرانیان ماه پرحادثه‌ای بوده است؛ از پنجم دی ۸۲ که دوسوم جمعیت شهر تاریخی بم زیر آوار زمین‌لرزه مدفون شدند و دی‌ماهی که پلاسکو مقابل چشمان حیرت‌زده مردم در آتش سوخت و فرو ریخت و دی‌ماه دیگری که کشتی سانچی روی اقیانوسی از آب، در آتش سوخت. دی، ماه تلخی‌های بی‌پایان است.

دی ۹۸ هم بی‌نصبی از آن‌همه حادثه تلخ نبود؛ البته حادثه‌ای با ابعادی بین‌المللی. بامداد جمعه ۱۳ دی ۹۸ بود که خبر ترور سردار سلیمانی رسانه‌ها را درنوردید، کشور تا آستانه درگیری و جنگی تمام‌عیار با آمریکا پیش رفت، مهم‌ترین و محبوب‌ترین فرمانده نظامی ایران در کشوری دوست، هدف حمله و ترور قرار گرفته بود و به‌سرعت کشور سیاه‌پوش او شد. حالا نوبت انتقام

شرق: مقامات دولت ایران، مثل بسیاری از مقامات دیگر کشورهای دنیا که با آمریکا سروکار دارند و شاید بیشتر از سایرین، منتظر تعیین تکلیف انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده هستند که هفته آینده برگزار می‌شود. بسیاری از کشورها، عملاً تعاملات خود با ایالات متحده را فعلاً در حالت تعلیق قرار داده‌اند تا زمانی که مشخص شود آیا ناچارند با رئیس‌جمهور فعلی، یعنی دونالد ترامپ به کار ادامه دهند یا با تغییر مستاجر کاخ سفید، با جو بایدنی که همین چهار سال پیش سابقه تعامل با او را دارند، کار را پی بگیرند. اما فراتر از سروصدای بلند رقابت ریاست‌جمهوری، انتخابات دیگری نیز در ایالات متحده در جریان است و از میان آنها، نتیجه انتخابات سنای آمریکا نیز مانند ریاست‌جمهوری در روند کار سیاست خارجی آمریکا تأثیرگذار خواهد بود. گمانه‌زنی‌های بسیاری مطرح شده درباره اینکه اگر ترامپ دوباره رأی بیاورد یا بایدن او را شکست دهد، سیاست آمریکا به چه سمتی پیش خواهد رفت، اما اغلب سناریوهای مطرح‌شده در شرایطی عملی می‌شوند که در سنا نیز حزب

سیدمحمدهادی موسوی؛ شاید در هیچ برهه‌ای از تاریخ، دنیا این چنین منتظر نتایج انتخابات سال ۲۰۲۰ آمریکا نبوده است. دولت ترامپ در چهار سال گذشته نظم جهانی را به هم ریخته و با یک‌جانبه‌گرایی، لطمات زیادی به دیگر کشورها و حتی وجهه جهانی آمریکا زده است؛ از این‌رو جهان در انتظار رأی مردم آمریکاست تا بداند در سال‌های آتی چه تصمیمی باید اتخاذ کند.

در میان کشورهای جهان، برای ما ایرانیان نتیجه انتخابات آمریکا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. «ترامپ» با خروج از برجام، وضعیت اقتصادی کشور را متأثر کرده است و هر

و پاسخ‌دادن به اقدامی غیرقابل گذشت در قواعد بین‌الملل و اصول اخلاقی و انسانی بود. سه روز بعد از ترور سردار سلیمانی، در همان ساعت اولیه بامداد، نیروی هوافضای سپاه، به پایگاه عین‌الاسد در استان الانبار عراق و پایگاهی در اربیل که محل استقرار نیروهای آمریکایی بودند، موشک‌هایی شلیک کرد. اما آماده‌باش بعد از آن شلیک‌ها در بالاترین سطح ادامه داشت.

از انتقام تا خطای فاحش

پیش‌فرض این بود که دونالد ترامپ، شلیک موشک‌های ایرانی را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. یکی از دیپلمات‌های مسئول در پرونده، ساعت سه‌ونیم صبح در حیاط وزارت خارجه با سفیر سوئیس در تهران ملاقات می‌کند. پیام تهران مشخص است، همان که بعدتر رسانه‌ای هم شد؛ ایران دیگر حمله نمی‌کند ولی اگر حمله دیگری انجام دهد، ایران شدیدتر پاسخ می‌دهد. البته بعدتر هم گفته شد که پیام محرمانه‌ای از طریق عمان منتقل شده که سردار علیرضا افشار، معاون پژوهشی دانشگاه دفاع ملی آن را این‌گونه روایت کرد: «آمریکا درپی حمله [به عین‌الاسد] ازطریق عمان پیام فرستاد که ایران اجازه دهد به یک نقطه غیرمسکونی موشک شلیک کنیم، اما جمهوری اسلامی پاسخ داد اگر آمریکا هر حرکتی انجام دهد، ایران محکمت پاسخ خواهد داد». دو جنگنده آمریکایی بعد از حمله به عین‌الاسد به سمت مرزهای غربی و جنوب ایران به راه افتاده بود که به‌نظر می‌رسد با این پیام‌ها به آشیانه بازگشتند. تا آن زمان همه‌چیز طبق برنامه انجام شده بود، اما پدافند متحرکی که برای آماده‌باش آن حادثه منتقل شده بود، کار دست همه داد. اولین و بدیهی‌ترین اقدام در بازدید اولیه با اوکراین یعنی جهت‌یابی مجدد آن انجام شده و کاربر آن طی شب آماده‌باش، بر مبنای جهت جغرافیایی اشتباه در

حال رصد بوده است. در اولین خطا، کاربر دستگاه، با ۱۰۵ درجه اختلاف در حال رصد شمال جغرافیایی موقعیت است. صبح‌دم هواپیمای اوکراینی از تهران به مقصد کی‌یف به راه می‌افتد. ساعت ۶:۱۹ کاربر سامانه موشکی، هواپیما را به جای رصد حرکت از مسیر فرودگاه امام خمینی از مسیری دیگر ارزیابی کرده و تلاش می‌کند با مقام مافوقش تماس بگیرد. تماس برقرار نمی‌شود و ۱۰ ثانیه بعد بدون دریافت دستور مافوق تصمیم به شلیک می‌گیرد و جان ۱۷۴ انسان غیرنظامی که در هیچ کجای این پازل تقصیری نداشتند، گرفته می‌شود. از خواندن جعبه سیاه تنها ۱۴ ثانیه صوت تیم پرواز ثبت شده که به نظرشان می‌رسد چیزی به بدنه هواپیما اصابت کرده و آنها تصمیم می‌گیرند به فرودگاه برگردند. طبق بررسی‌ها، موشک به بدنه هواپیما اصابت نکرده، موشک در نزدیکی هواپیما منفجر شده و ترکش‌هایش به بخش‌های حساس هواپیما اصابت کرده و موجب سقوط هواپیما شده است.

حالا این پازل چند بُعد دارد: جمهوری اسلامی ایران، اوکراین، کانادا و افکار عمومی.

کی‌یف احتمالاً راضی می‌شود

آنچه تاکنون بین ایران و اوکراین گذشته، نشان می‌دهد که این دو کشور قصد دارند موضوع را بین خود طبق قواعد بین‌المللی حل‌وفصل کنند. ۱۱ اوکراینی در این پرواز حضور داشتند؛ از جمله ۹ خدمه پرواز. همچنین هواپیما متعلق به اوکراین بوده که ایران باید غرامت آن را پرداخت کند. حضور ۵۴ کارشناس اوکراینی در بازدید اولیه از صحنه حادثه که یک مقام آگاه می‌گوید حدود ۳۰ نفرشان مأمور اطلاعات و امنیت این کشور بودند، نشان از تلاش اولیه ایران برای حل‌وفصل مسئله با اوکراین دارد. رفت‌وبرگشت‌های تیم‌های کارشناسی به‌همراه دیپلمات‌ها که آخرین دور آن، هفته گذشته در تهران

دیپلماسی

پازل هواپیمای اوکراینی؛ تهران، کی‌یف، اوتاوا و افکار عمومی

انجام شد نیز حاکی از همین موضوع است، اما این همه موضوع نیست. درحالی‌که کانادا با داشتن حدود ۶۳ کانادایی و برخی دیگر که تابعیت هم‌زمان ایران و کانادا را داشتند توجیهی دارد که ادعای بیشتری در این زمینه داشته باشد. نخست‌وزیر کانادا، همان‌زمان گفت که ۱۳۸ نفر از مسافران قصد سفر به کانادا داشتند.

مدعی‌ای که دسترسی کنسولی نمی‌دهد

موضوع پیگیری حادثه هواپیمای اوکراینی توسط کانادا شرایط پیچیده‌تری دارد. همین که از ۱۷۴ سرنشین پرواز، ۱۳۸ نفر آنها راهی اوتاوا بودند اما با توقف در مقصدی در میانه راه، نشانه‌ای از وضعیت را در خود دارد؛ تعداد زیادی ایرانی در این کشور زندگی می‌کنند اما برای خدمات کنسولی نیازمند تردد به کشورهای دیگر هستند. درحالی‌که این حجم بالای تردد بین دو کشور راه‌اندازی یک خط هوایی مستقیم را توجیه‌پذیر می‌کند. موضوعی که به واسطه نداشتن ارتباط سیاسی بین دو کشور، عملاً هیچ‌گاه به‌صورت جدی در دستور کار نبوده است. کانادا بعد از قطع رابطه با ایران در تاریخ ۱۷ شهریور ۹۱ اگرچه تحولات سیاسی داخلی را تجربه کرد و اگرچه از دولت راست‌گرای علاقه‌مند به اسرائیل به دولت میانه جاستین ترودو رسید اما هنوز رابطه راه‌پاش با ایران باز نشده است. این کشور، قانونی تصویب کرده که براساس آن دیپلمات‌های ایرانی مصونیت نداشتند و دولت ایران نیز به استناد قواعد بین‌المللی آن را خلاف قانون دانسته است. اگرچه چندین دور مذاکره بین معاونان وزیر خارجه و تماس تلفنی بین وزرای خارجه دو کشور برقرار شده اما هنوز تحولی در این مورد رخ ندها است. با این اوصاف، دولت کانادا به شکلی در حادثه هواپیمای اوکراینی عمل کرد که کمتر کسی بابت ندادن خدمات کنسولی بین اتباع دو کشور، خرده‌ای

به دولت ترودو گرفت. با اینکه او بدیهی‌ترین حق اتباع ایرانی و کانادایی را برآورده نکرده است. آنچه در جمهوری اسلامی در واکنش به حادثه هواپیما رخ داده، بازداشت شش‌ش خطای بوده که سه نفر از آنها با قید وثیقه آزاد شده‌اند و ۱۰ نفر نیز تنبیهات دیگری دریافت کرده‌اند. در ادامه این روند نیز ایران اعلام کرده که طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی خسارت هواپیما و دیه مسافران پرداخت می‌شود. این اقدامات می‌تواند طبق قواعد بین‌المللی کارهایی باشد که برعهده یک دولت قرار گرفته است اما این اقدامات به نظر نمی‌رسد برای کانادایی‌ها کافی باشد. کانادا با بازکردن یک پرونده حقوقی و قضانی در سیستم قضائی خود به دنبال بررسی موضوع به شکل دیگری است. بخشی از خانواده‌ها نیز در این حادثه شکایتی علیه ایران ثبت کرده‌اند. این کشور ادعا می‌کند که دولت کانادا در این حادثه خسارت دیده و دولت ایران باید به کانادا خسارت بدهد؛ موضوعی که امنظر ایران قابل قبول نیست. یکی از مقامات بررسی‌کننده پرونده می‌گوید که کانادا باید در قالب چارچوب‌های بین‌المللی، کنوانسیون شیکاگو، قواعد ایکائو و توافقات روی میز مذاکره به نتیجه برسد نه اینکه رویه خود را پیش ببرد. در این شرایط، حتی ایران حاضر به پرداخت دیه اتباع کانادایی نخواهد بود چون پرداخت دیه مرحله نهایی‌ی روند حقوقی قضیه است و باید با این روند، موضوع تمام شده باشد نه آنکه هواپیما پرونده‌ای در آن کشور باز باشد. برخی شنیده‌ها حاکی است که کانادا به‌دنبال اثبات تقصیر در سطحی بالاتر از کاربران سامانه عملیات موشکی است.

افکار عمومی اما ضلع مهم و مهم‌م این پازل است؛ آیا با پرداخت دیه و خسارت هواپیما، افکار عمومی درباره حادثه تلخ هواپیمای اوکراینی اقناع می‌شود.

امسال انتخابات ندارند، سناتورهایی هستند که پیش‌تر در زمینه توافق هسته‌ای متفاوت با دیگر هم‌حزبی‌هایشان موضع گرفته‌اند و اگر هرکدام از آنها در این مرحله و بعد از چهار سال ترامپ، همچنان مخالف برجام و تعامل با ایران باشند، لاقل در این مسئله، عملاً اکثریت حزب موکرات در سنا را بی‌اثر می‌کنند؛ مگر اینکه کسانی مثل رند پال جمهوری‌خواه که زمانی پیگیر دیدار با محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، بود، برخلاف هم‌حزبی‌هایشان از دیپلماسی با ایران حمایت کنند و اثر رای منفی هم‌تایان دموکرات‌شان را خنثی کنند. اگر دموکرات‌ها با اکثریت بالاتری سنا را در اختیار بگیرند، شاید بتوانند از پس هزینه رای منفی مندرجه‌ها بربایند؛ البته ممکن است تقابیل دوقطبی و شدید سیاسی حاصل از دوران ترامپ، باعث افزایش وحدت در میان دموکرات‌ها بعد از پس‌گرفتن قدرت شود. در هر حال، ایرانی‌هایی که نتیجه انتخابات آمریکا را در آینده سیاست خارجی و شاید داخلی ایران مؤثر می‌بینند، باید در کنار کاخ سفید، انتخابات کنگره را نیز زیر نظر داشته باشند.

در مسیر بازگشت بایدن به برجام نیز به وجود خواهد آمد. همچنان که در زمان اوباما برخی سناتورها در این زمینه تلاش کردند و حتی پیش‌شرط «برسمیت‌شناختن اسرائیل از سوی ایران» را شرط اجرای برجام دانستند که در تصویب آن موفق نشدند، اما در نهایت دولت را مجبور کردند هر سه ماه «گزارش پایبندی ایران» به برجام را ارائه کند که همین، بهانه لازم را به ترامپ داد تا به برجام خاتمه دهد. ضمناً اینکه بسیاری از شرکت‌های خارجی ریسک سرمایه‌گذاری و حضور در ایران در بازه سه ماهه را نمی‌پذیرفتند و از ترس کارشکنی دولت و کنگره آمریکا در سه ماه بعد، عطای حضور در ایران را به لقایش بخشیدند. از این‌رو در صورت شکست دموکرات‌ها در کسب اکثریت سنا و حتی با پیروزی بایدن هم نمی‌توان به بهبود شرایط واحیای برجام امیدوار بود. چه اینکه حتی با کسب اکثریت از سوی دموکرات‌ها نمی‌توان تضمین کرد که برجام احیا خواهد شد؛ چراکه در بین دموکرات‌ها نیز سناتورهایی هستند که با برجام مخالف بوده و نسبت به ایران عقاید رادیکالی دارند. از این‌رو ممکن است همین دموکرات‌ها نیز موانع و شرایطی مانند محدودیت‌های موشکی و منطقه‌ای برای ایران را شرط احیای برجام با تصویب لغو تحریم‌های اولیه بدانند. در سناریو دیگر، اگر ترامپ رئیس‌جمهور شده و اکثریت سنا از آن دموکرات‌ها شود، آنگاه شرایط بهتری را می‌تواند متصور بود؛ چراکه هم کنگره و هم سنا در اختیار دموکرات‌هاست و ترامپ برای پیشبرد دیدگاه‌های خود به تأیید کنگره آمریکا نیاز دارد. با توجه به وعده‌های ترامپ درباره توافق جامع با ایران، شاید در این شرایط بتوان با افزایش برخی محدودیت‌های برجامی، درخواست لغو تحریم‌های اولیه آمریکا را نیز داشت. اما اگر اکثریت سنا در اختیار جمهوری‌خواهان قرار گیرد و ترامپ رئیس‌جمهور باقی بماند، احتمال اینکه بتوان دامنه لغو تحریم‌ها را افزایش داد کم است. اما ترامپ توانایی احیای برجام با شرایط خود را خواهد داشت. در پایان می‌توان گفت نتیجه انتخابات کنگره آمریکا، حداقل برای ایران، بسیار مهم‌تر از نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور خواهد بود.

رئیس‌جمهور بعدی آمریکا با چه مجلسی سراغ سیاست خارجی می‌رود

ایران و رقابت سنای آمریکا



حفظ کرسی او قائل است. این به معنای حفظ جایگاه کلی حزب متبوع رئیس‌جمهور فعلی که مخالفت جدی با تعامل با ایران دارد، نیست. برای اینکه سنا همراه رئیس‌جمهور بایدن احتمالی باشد، لازم

کاخ سفید یا کنگره، کدام برای ایران مهم‌تر است؟

سنای آمریکاست که همراه با انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار می‌شود. انتخابات اخیر سنا، در حدود ۳۰ ایالت آمریکا برگزار خواهد شد؛ از این‌رو با توجه به هم‌زمانی آن دو انتخابات، چهار سناریو به‌عنوان نتیجه انتخابات متصور است؛ «ترامپ– سنای جمهوری‌خواه»، «ترامپ– سنای دموکرات»، «بایدن– سنای جمهوری‌خواه» و «بایدن– سنای دموکرات». در‌حال‌حاضر، جمهوری‌خواهان اکثریت سنا

روز نیز حلقه تحریم‌ها را تنگتر می‌کند. از آن طرف، وعده

«بایدن» برای بازگشت به برجام، مردم و مسئولان ایرانی را امیدوار به پیروزی او کرده است.

قطعاً انتخاب مجدد ترامپ یا انتخاب بایدن در سرنوشت کشور ما تغییری اساسی ایجاد خواهد کرد، اما نکته مغفول‌مانده در تحلیل‌های سیاسی داخلی، نداشتن توجه کافی به انتخابات کنگره ۲۰۲۰ به‌خصوص انتخابات

آگهی مزایده عمومی(نوبت اول)

اداره کل آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران در نظر دارد، مزایده اجاره مجموعه باغات هنرستان شهید رجایی شهرستان دماوند را با مشخصات و شرایط کلی زیر را از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقوقی و حقیقی واجد شرایط واگذار نماید.

الف) شرایط مختصر کار :

– مزایده اجاره مجموعه باغات هنرستان کشاورزی شهید رجایی شهرستان دماوند.

مبلغ تقصیم شرکت در فرآیند ارجاع کار : مبلغ ۲/۶۳۵/۷۲۵/۰۰۰ریال از نوع ضمانت نامه بانکی با اعتبار سه ماهه یا واریز به شماره حساب ۴۰۷۴۰۳۱۲۰۷۸۶۵۵۱۸ وجه اداره کل آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران(بنام تمرکز وجوه سپرده‌بودجه عمومی)نزد بانک مرکزی می باشد.

ب) مهلت و محل دریافت اسناد مزایده :

مهلت : از تاریخ درج آگهی نوبت دوم به مدت یک هفته.

محل دریافت : از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس **http://setadiran.ir** انجام می پذیرد.

ج) مهلت ارسال اسناد و زمان و مکان گشایش پیشنهادهای :

– مهلت ارسال اسناد : حداکثر ۱۰ روز از آخرین مهلت دریافت اسناد به نشانی فوق الذکر .

– زمان و مکان گشایش پیشنهادها و نیز سایر شرایط و توضیحات در اسناد مزایده قید میگردد .

توجه:کلیه مراحل دریافت اسناد و ارائه پیشنهادها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس **http://setadiran.ir** انجام می شود.

–آخرین اطلاعات در خصوص مزایده در پایگاه اینترنتی ملی مناقصات به آدرس **http://iets.mporg.ir** موجود می باشد.

تلفن تماس ۵۵۰۴۳۵۹۶آدرس اینترنتی **www.teo.ir**

اداره کل آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران

م الف ۲۳۵۳

ادامه از صفحه اول

چین وانتخابات ریاست جمهوری آمریکا

سفیر چین در آمریکا آقای Cui Tiankai در مصاحبه‌ای گفته است: «ما آماده‌ایم با دولت فعلی برای حل مسائل روز در هر نقطه، هر مکان، امروز یا فردا ملاقات داشته باشیم. تعاملات و سیاست داخلی آمریکا بسیار فراتر از آن چیزی است که ما بتوانیم بر آن اثر گذاشته به آن را پیش‌بینی کنیم. چین هیچ منفعتی و علاقه‌ای در ورود به آن ندارد.» بیان این مواضع از زاویه سیستمی کاملاً درست است. اما از زاویه رفتاری و سلیقه حتماً آقای سفیر یک فرد را بر دیگری ترجیح خواهد داد.

آمریکا و چین در دوران ترامپ غیر از تخصص‌های دوجانبه در امور مثل تجارت، سرمایه‌گذاری، موضوع تایوان و هنگ‌کنگ و سین‌کیانگ و دریای جنوبی چین، در موضوع کنوانسیون تغییر آب‌وهوا، سازمان تجارت جهانی، همکاری ترانس پاسیفیک (Trans Pacific Partnership)، برجام و سازمان بهداشت جهانی در سیاست‌های جهانی نیز با یکدیگر اصطکاک و اختلاف داشتند. برخی از این اختلافات درواقع بر اثر نقل ناشی از رشد اقتصاد چین و جابه‌جایی جهانی قدرت است و هرکدام از چندینادها که پیروز شوند، چاره‌ای جز اتخاذ سیاست واحد محدودکردن چین ندارند. برای مثال از آغاز دولت ترامپ موضوع تجدیدنظر در تجربه تولید اقلام استراتژیک در دستور کار دولت آمریکا قرار گرفته است. امتیازات زیادی برای شرکت‌هایی که تولید خود را از چین خارج یا کارخانه خود را در آمریکا به وجود آورند، در نظر گرفته شده است یا تنبیهاتی برای شرکت‌هایی که تولید خود را به چین منتقل می‌کنند، مشخص شده است. این سیاست دوحزبی آمریکاست و چین باید خود را برای دورانی این‌چنینی آماده کند که توجه صنعت آمریکا به هند، ویتنام، کره، آمریکای لاتین به قیمت خروج از چین افزایش یابد. این اقدام در صنایع الکترونیک و استراتژیک در اولویت قرار دارد و ممکن است به سایر بخش‌هایی که استراتژیک تشخیص داده شود، گسترش یابد. بنابراین دو حزب روش‌های متفاوتی برای تحقق یک هدف متعددشده دنبال خواهند کرد. ترامپ تلاش کرد برخی از اروپایی‌ها را از به‌کارگیری تکنولوژی چینی دور نگه دارد. این سیاست با بایدن با همان شد دنبال خواهد شد.

هر دو حزب، چین را در موضوع هنگ‌کنگ و سین‌کیانگ محکوم کرده‌اند و سیاست مشابهی را دنبال خواهند کرد.جنگ تجاری با چین نه از زمان ترامپ که از زمان کلینتون آغاز شد. در زمان ترامپ به جنگ تعرفه‌ها و حمایت از کالاها انجامید. در ژانویه ۲۰۲۰ برخی از تعرفه‌ها برداشته شد ولی از دشمنی‌ها کاسته نشد. اما کسری موازنه تجاری بین دو کشور با وجود قول ترامپ در ۲۰۱۶، همچنان باقی است. همین وضعیت فشار و تحریم از زمان کلینتون به این طرف بوده است و هرساله نیز کسری موازنه تجاری به ضرر آمریکا تجدید شده است.

زیرا روابط چین و آمریکا به زندگی صدها میلیون انسان گره خورده است و به‌سادگی قابل تغییر و تحول نیست. اختلاف چین و آمریکا در موضوع اپلیکیشن تیک‌تاک نشان داد که حتی کاخ سفید با تمام توان هم نمی‌تواند هرآنچه بخواد، به حقیقت کند. برای مثال گروه Haier که یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تولید لوازم خانگی چین است، بخش لوازم خانگی جنرال الکتریک آمریکا را خریداری کرده و هم‌اکنون مشغول سرمایه‌گذاری در ایالت‌های مختلف آمریکاست. البته سرمایه‌گذاری چین در آمریکا از ۶۴۵ میلیارد دلار در ۲۰۱۶ در نتیجه جنگ تجاری به ۵۰۴ میلیارد دلار در ۲۰۱۸ کاهش یافته است.

اکثر کارشناسان چینی بر این موضوع تأکید دارند که بایدن و دموکرات‌ها برای چین خطرناک‌تر از ترامپ هستند؛ چون آنها ظرفیت اجماع‌سازی غربی و جهانی دارند و سیاست‌های پیچیده‌تری از ترامپ علیه چین دنبال خواهند کرد. این بیشترین احساس خطری است که از طرف چینی درباره بایدن بیان شده است.

اگرچه فعلاً کاخ سفید چین را مایه شر و فساد اصلی جهان می‌نامد و پمپو چین را دشمن تاریخی آمریکا که دنبال هژمونی مارکسیستی است معرفی کرده است اما ترامپ برای چین با وجود رفتاری غیرقابل‌پیش‌بینی و منزجرکننده خود، می‌تواند از چند زاویه ارزش داشته باشد:

از نظر کلی سیاست‌های خشن ترامپ و آمریکا علیه شهروندان چینی باعث بروز ازجار در مردم عادی و رشد ملی‌گرایی در چین شده است. این به نفع حزب کمونیست تمام شده است.

در صورت انتخاب در چهار سال بعد ترامپ دیگر به‌عنوان یک سرمایه‌دار سه چینه نگاه خواهد کرد که در پایان ریاست‌جمهوری خود باید به املا، امتیازات و شرکت‌های خود برسد؛ بنابراین احتمالا کمتر سعی خواهد کرد که به چین فشار بیابد که در درازمدت به نفع چین محسوب می‌شود. ترامپ ۱۲۳ عنوان تجاری در چین تحت نام خود به ثبت رسانده است.

با همین سیاست در ۲۰۱۹ بانک دولتی چین سه طبقه از برج ترامپ در نیویورک را به رقم گرانی اجاره کرده است و در گزارش اخیر نیویورک‌تایمز شرکت‌ها و چینی‌های متعددی از امکانات شرکت‌های ترامپ در آمریکا و کانادا استفاده می‌کنند که شائبه این ساخت‌و‌پاخت را افزایش داده است.

بنابراین با یک حساب ساده چین باید ترجیحش ترامپ باشد.